

حدود و ثغور نظام بهره‌برداری دهقانی

غلامرضا حیدری

نقطه نظر غالب درباره مسایل ارضی ایران در گذشته مبین این واقعیت است که مالکیت و حق هر گونه دخل و تصرف در زمین عمدتاً به حکومت‌های وقت و وابستگان سیاسی و نظامی و مذهبی تعلق داشته است. این نقطه نظر تا آن اندازه شمول عام داشته که وجود مالکیت‌های خصوصی را یکسره نفی می‌نماید. با این حال در مطالعه نظام زمینداری به هیچ وجه نمی‌توان مالکیت‌های خصوصی و یا به قول بطروشفسکی «ملک» را نادیده گرفت؛ هر چند نوع اخیر در مقایسه با انواع دیگر زمینداری رقم بالنسبه اندکی را شامل می‌شده است.

در طبقه‌بندی اشکال عمده زمینداری معمولاً از سه شکل خالصه (دولتی و سلطنتی)، وقفی و عمده مالکی نام برده می‌شود که در هر سه شکل آن عقد حقوقی نهایی بین زارع و آخرین رده سلسله مراتب مالکیت (اجاره‌دار) منعقد می‌شده است. این عقد (سزاعه) که معمولاً جنبه عرفی و غیرمکتوب داشته، تعهدات طرفین را تعیین می‌کرده و برای هر سه شکل نامبرده با مختصر تفاوتی به‌طور نسبتاً مشابه عمل می‌شده است.

روستا، جنبه‌های مختلف فرهنگی و... و اغلب جلوه‌های زندگی روستا در ارتباط با زمین کشاورزی مطرح شده است. به لحاظ اهمیت ویژه‌ای که زمین کشاورزی در مطالعات روستایی دارد، جامعه‌شناس روستایی ناگزیر است برای کشف قانونمندیهای مربوط به روابط اجتماعی روستا، موضوع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و به طور کلی مسائل ارضی را در دستور کار خود قرار دهد. بدیهی است در مطالعه نظام‌های بهره‌برداری نیز زمین کشاورزی محور اصلی بحث را تشکیل می‌دهد و از طریق این عامل است که امکان آشنایی و شناخت جامعه روستایی و اقتصاد کشاورزی حاصل می‌شود.

به طور کلی در مطالعات روستایی، بر روی جنبه‌های مختلفی از مسایل ارضی تسلط پیدا می‌شود و هر جنبه در حوزه بررسی یک رشته خاص قرار دارد. در این میان مطالعه زمین از بُعد مالکیت دارای اهمیت خاصی است، زیرا مسئله مالکیت در نظام‌های بهره‌برداری از زمین اصولاً تعیین کننده بوده و این تعیین کننده‌گی به‌خصوص در مورد ایران از آن جهت بیشتری نیز برخوردار است.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که روستاهای ایران در اعصار گذشته و به طور سنتی جایگاه و مرکز اصلی تولیدات کشاورزی، دامی و صنایع دستی بوده است. فعالیت‌های تولیدی در روستاها که اساساً با تلفیق عوامل تولید کشاورزی شکل می‌گرفت، فراگردی را شامل می‌شد که طی آن روابط اجتماعی روستائیان تعیین و تنظیم می‌گردید و استمرار می‌یافت. در این میان و در اغلب روستاها «زمین کشاورزی» به عنوان یکی از عناصر اصلی تولید و یا به عبارت دیگر یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری روابط اجتماعی بوده است.

زمین کشاورزی یا بستر اصلی تولید، محل تلاقی روابط اجتماعی در عرصه روستا بوده و در پرتو این عامل نهادهای مختلف اقتصادی و اجتماعی، ارزش‌ها، آداب و رسوم، سنن... و به طور کلی شیوه زیست روستائیان شکل گرفته است. سلسله‌های مختلف بنا تکیه بر زمین و تولیدات روستاها حکومت کرده‌اند و قدرت سیاسی ایادی و وابستگان آنها عمدتاً منشأ ارضی داشته است. معمولاً آن‌ها مانند اقطاع، تیول، تیولدار، ارباب، ریت، نسق، مخراج، عشریه و مالیات‌های مختلف نظام قشر بندی

حوالده نبود. در طی سده‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ مفهوم و معنی قدیمی دهقان به معنی «مالک فتودال» اندک اندک منتفی شد و این مفهوم به تدریج و به میزانی که ملک داران قدیمی شهرستانی ایران جای خود را به اقطاع داران ترک و مغول می‌دادند، ظاهر گشت. جوینی چون از «دهقانان مرو» سخن می‌گوید منظورش بالصر احه فتودالهای محلی است. ولی بعد از جوینی همه متونی که از دهقان یاد کرده‌اند روستائیان، و گاهی روستائیان بی‌نوا، را در نظر داشته‌اند. و ضمناً کلمه دهقان معنی وسیع‌تر و نامعین‌تری پیدا کرد و به طور کلی مفهوم «روستایی» را، اعم از مالک و یا مزارع‌گر و برزگر می‌رسانیده.^۲



بطروشفسکی در جای دیگر کتاب خود راجع به مفهوم دهقان چنین نقل می‌کند «تصاحب اراضی از طرف دیوان و فتودالها اندک اندک بسیاری از روستائیان را از زمین‌هایشان محروم و بی‌نوا کرد. ولی همه ایشان مزارع‌گر و مستأجر زمین مالکان نگشتند و بخشی به شهرهای بزرگ روی آوردند و به صفوف بینوایان فاقد شغل معین پیوستند. اینان با مزد کارهای موقتی روز می‌گذراندند و یا به ساربان‌ی و غیره اشتغال می‌ورزیدند. عده‌ای از این روستائیان بی‌زمین در روستاهایی که دهقانان مرفه آنجا از کار مزدور استفاده می‌کردند، باقی ماندند».

بطروشفسکی عقیده دارد که در تعریف اقسام مالکان دو نوع ملک خلطی صورت گرفته است. به همین لحاظ در جای دیگر تحت عنوان «اراضی روستائیان - مالک و آزاد» چنین می‌نویسد:

«... و هر دو دسته یعنی زمینداران فتودال و روستائیان، مالک را تا قرن سیزدهم میلادی به یک نام «دهقانا» می‌خواندند. در توجیه این مثال فقط میتوان گفت که این از بقایای وضع زمان ساسانیان بوده، زیرا در آن زمان تکامل روابط فتودالی تازه آغاز شده بود. ظاهراً اصطلاح «دهقان» مربوط به دوران پاشیدگی و

سواران لشکر فتودال از دهقانان بودند. به گفته السعمانی مؤلف «کتاب الانساب» قرن ۱۲ کلمه دهقان به کسی اطلاق می‌شده که در رأس ناحیه‌ای روستایی قسراً داشته و یا ایستکه صاحب زمین یا تاکستان بوده است. از گفته السعمانی پیداست که اصطلاح «دهقان» به طور اعم به معنی مالک زمین - بزرگ و یا کوچک - بوده (مالکی که زمین را به عنوان «منک» در تصرف داشته نه به سمت عضو پادشاهی). بنابراین روستائیان مالک زمین که از حیثیت روستائیان جدا شده بودند هم سابقین «دهقان»

دهقانی نیست اما برای ارائه تعریف روشنی از آن به نکاتی در این زمینه اشاره می‌شود: «مفهوم اصطلاح باستانی دهقان (که جمع معرب آن دهاقین است) که در زمان ساسانیان معمول بوده و از آن دوران مأخوذ است در عهد مورد مطالعه ما (قرنهای ۱۲ و ۱۴ میلادی) دستخوش تغییراتی گشت. حتی در قرنهای دهم و یازدهم نیز چنانکه میدانیم بزرگان زمین‌دار قدیمی و به‌خصوص ایرانی را، از افسراد خاندانهای کوچک گرفته تا سلوک و امراء و افراد سلاله‌های فرمانروا، چنین می‌خواندند.

زوال جماعت روستایی می باشد. اراضی که از جماعت خسارخ قسم روستای کوچک و بزرگ، و زان پس به صورت فئودال درآمد بودند «دهقان» نامیده می شدند. و اموال فئودالها و روستائیان و همچنین مالکان املاک مزبور دو قسم متفاوت بوده اند: در مورد اوک اراضی بوده که فئودالها توسط روستائیان تابع خویش از آن بهره برداری می کردند و در مورد دوم مالکان، یعنی روستائیان آزاد خود بلاواسطه اراضی خویش را زراعت می کردند.^۲

وی در توضیح قشر بندی روستا به دو قشر یکی روستائیان مرفه و دیگری روستائیان آزاد عضو جماعت اشاره می کند که به مفهوم دهقان بسیار نزدیک است. در این باره می نویسد «سران روستا را نخست روستائیان مرفهی تشکیل می داده اند که از جماعت جدا شده و مالک زمین و صاحب املاک روستایی (و یا آنانکه در این ایام در ایران «خرده مالک» نامیده می شوند) گشته بودند. ثروتمندان روستا، که بوسیله فروش پرسود محصولات کشاورزی در شهر و فروش کالای شهری در دهات و گاهی هم در زمینه رباخواری مایه دار شده بودند، نیز جزء سران روستا بودند». در این زمینه از ناصر خسرو مؤلف «سعادت نامه» شعری را مثال می آورد و اضافه می کند که منظور نظر وی همان سران ثروتمند روستا می باشد.

اگر دهقان چنان باشد که باید سبک گوی از ملانک در ریاید اگر جوای قحط نان نباشد کسی را پایه دهقان نباشد بطروشفسکی در مقایسه ای که بین اقشار مختلف روستا به عمل می آورد چنین نتیجه گیری می کند که: «وضع روستائیان آزاد عضو جماعت و روستائیان آزاد - یعنی مالکان خرد اراضی بهتر بوده. روزگار این دو گروه - حتی بیسویان ایشان هم - از وضع روستائیان مزارعه گر (بزرگران) بهتر بوده: روستائیان

آزاد این دو گروه فقط خراج اراضی را - به عنوان مالکان ارضی - به دیوان می پرداختند و از شیوه سخت و توانفرسای مزارعه کاری خبری نداشتند. و چنانکه گفتیم این هر دو گروه در جامعه متکامل فئودالی آنروزی به منزله پس مانده دوران گذشته و عده این افراد اندک بوده است.^۳

چنانکه مشاهده می شود این منبع به طور کلی مفهوم دهقان را در رابطه با نظام بهره برداری از زمین و منزلت اجتماعی تعریف می کند. به علاوه مفهوم دهقان معادل خرده مالک در نظر گرفته شده و به کشت و کار مستقیم توسط خانواده صاحب ملک دلالت دارد. اما درباره حدود مالکیت و سایر ابعاد این مفهوم سخنی به میان نمی آورد.

محقق دیگری که در زمینه نظام زمینداری ایران مطالعات زیادی انجام داده خانم لمتون است. این محقق در کتاب «مالک و زارع در ایران» که توسط منوچهر امیری ترجمه شده مسائل ارضی ایران را مورد بررسی قرار می دهد و درباره تفاوت مفهوم خرده مالک و زارع سهم بر و همچنین وضع دهقانان چنین می نویسد: «در باره مساحت واقعی املاک خرده مالک اطلاعاتی مختصر در دست است. غالباً هر یک از آنها را که علاقه ملکی یک خانوار به شمار می رود افراد همان خانوار زراعت می کنند. در جاهایی که چندان آباد نیست ملک هر خانواده خرده مالک کوچکتر از آن است که کفاف معیشت خانوار را بکند مگر این که افراد خانوار معرعایدی خارجی هم داشته باشند و در ازای انجام دادن کارهای جاده سازی، پارچه بافی یا گله داری مزد بگیرند. غالباً گفته می شود که خرده مالک از همقطار خود یعنی زارع سهم برغنی تر نیست و

نوشته‌های دست‌نویس در گوشه بالا چپ صفحه که به صورت مورب قرار گرفته است. شامل عباراتی مانند «نوشته‌های دست‌نویس»، «نوشته‌های دست‌نویس»، «نوشته‌های دست‌نویس» و «نوشته‌های دست‌نویس» است.

تقریباً درآمد این دو با هم برابر است، زیرا خرده مالک به حداقل معیشت قانع است و نمی کوشد که از این حد بگذرد و زمین بیشتری زراعت کند.^۴ مثالی که در این زمینه آورده می شود به تقسیم اراضی دوره دمکراتها در آذربایجان اشاره دارد که باره ای از املاک اربابی به دهقانان واگذار شد، اما آنان به اتکال این که از آن پس سهم بیشتری از محصول خواهند برد از سطح کشت کاستند. لمتون ضمن مشکوک شمردن این ادعا یادآور می شود که حتی اگر چنین اتفاقی افتاده باشد، باید علت مهم آنرا ناامنی دانست و نه عدم ابتکار دهقانان. از این گذشته با توجه به این که خرده مالکان غالباً در جاهایی به سر می برند که زمین کمتر بارور است، سنجش درآمد آنان با درآمد زارعان سهم بری که در اراضی حاصلخیزتر سکونت دارند مایه گمراهیست. در اینجا نیز حد و مرز بهره برداریهای خرده مالکی مشخص نشده است هر چند در توصیف نحوه بهره برداری از این اراضی، خرده مالکی در ردیف دهقانی قلمداد گردیده است. سوداگر نیز در کتاب «نظام ارباب و رعیتی در ایران» نقطه نظر مشابهی را ارائه می دهد. او همچنین می نویسد «مالکیت‌های کوچک دهقانی در ایران سابقه بسیار طولانی تاریخی دارد. براساس قوانین اصلاحات ارضی زمینهای این لایه از دهقانان که مالک زمین و آب بودند مشمول تقسیم نگردید. علاوه بر آن عده زیادی از رعایای میانه حال با دریافت زمین طبق قوانین اصلاحات ارضی به جمع

... در نظام دهقانی می
 ساورز بوده، به عبارت دیگر مالک زمینی
 سیستم تمام و یا قسمت اعظم کارهای مزرعه به وسیله
 اعضاء خانواده انجام می شود. این نوع بهره برداری ها از متداول
 انواع آن در جهان بوده و معمولاً نوعی است که انگیزه لازم برای تولید
 بیشتر را در کشاورزان تقویت می کند. نقطه نظر مشترکی که در اغلب
 آثار محققین روستایی و کشاورزی وجود دارد ابراز یک نوع قضاوت
 ارزشی نسبت به مزیت های بهره برداری دهقانی (خرده مالکی) می باشد.

مالکین کوچک دهقانان پیوستند. بدین سان
 لایه نیرومندی از دهقانان خرده پا بوجود
 آمد.^۶
 علاوه بر منابع فوق، نظریات سایر محققینی
 که در این باره مطلب نوشته اند با مختصر
 تفاوتی مؤید نقطه نظرهای یاد شده است. دکتر
 احمد اشرف در تقسیم بندی نظام های
 بهره برداری از نظام خرده مالکی خانگی نام
 می برد و آنرا چنین توصیف می کند: «نظام
 خرده مالکی خانگی پس از اصلاحات ارضی
 شایع ترین نظام بهره برداری در روستاهای
 کشور شده است. در این نظام بهره برداری
 واحد اصلی تولید خانوار روستایی است.
 خانوار روستایی به کسک اعضاء خانوار و
 گاهی به کمک کارگران روزه زد (در صورتی که
 زمین وسیع باشد و وضع خانوار نسبتاً خوب
 باشد) زمین را زراعت می کند. به طور کلی
 وسعت اراضی از نیم تا ۱۰ هکتار است.»^۷
 نظر دکتر عجمی نیز با آنکه در مورد یک
 روستا بیان شده اما از وجوه مشخصه ای نام
 می برد که قسابل تعمیم است. عجمی در
 طبقه بندی نظام های بهره برداری از شش دانگی،
 نظام دهقانی را چنین توضیح می دهد: «نظام
 بهره برداری دهقانی که در این تحقیق به معنای
 تمرکز مالکیت زمین، نیروی انسانی، مدیریت و
 وسایل تولید در خانوار کشاورز بکار برده شده
 از سال ۱۳۴۵ بر اثر اجرای مرحله دوم قانون
 اصلاحات ارضی در زمین های اربابی به به
 وجود آمده است.»^۸

کتاب دیگری که تحت عنوان «اقتصاد
 کشاورزی» به قلم دکتر سلطانی و دکتر نجفی
 در مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسیده، نظام
 دهقانی را به عنوان یکی از اشکال نظام
 بهره برداری از زمین قلمداد می کند. این منبع
 از شش شکل متداول زمینداری نام می برد و در
 توصیف نظام دهقانی می نویسد: «در این نوع
 بهره برداری ها حق استفاده کامل زمین در
 حدود قانون با کشاورز بوده و به عبارت دیگر
 مالک زمین محسوب می شود. در این سیستم
 تمام و یا قسمت اعظم کارهای مزرعه به وسیله
 خود کشاورز و اعضاء خانواده انجام می شود.
 این نوع بهره برداری ها از متداول ترین انواع
 آن در جهان بوده و معمولاً نوعی است که
 انگیزه لازم برای تولید بیشتر را در کشاورزی
 تقویت می کند.»^۹ نقطه نظر مشترکی که در
 اغلب آثار محققین روستایی و کشاورزی
 وجود دارد ابراز یک نوع قضاوت ارزشی
 نسبت به مزیت های بهره برداری دهقانی (خرده
 مالکی) می باشد. تحقیقاتی که توسط دکتر
 نوری نائینی در روستاهای نیشابور، فاطمه
 اعتماد مقدم، دکتر عجمی و دیگر محققان
 روستایی صورت گرفته به اثبات این مزیت
 پرداخته و از آن به عنوان یک نظام متناسب
 بهره برداری در بسیاری از نقاط ایران نام برده
 می شود. خانم لغتون ضمن بحث مفصلی در
 این باره چنین می نویسد: «از آنجمله کمیتیم
 پیدا است که در ایران املاک خرده مالکی از
 لحاظ وسعت و کمیت یکی از انواع مهم
 املاک زراعتی به شمار می رود و بدون
 می نماید که بر روی هم اوضاع و احوال که
 لازمه ادامه زراعت می باشد با وسیع استراک
 اربابی سازگار است. اما این مزیت بیشتر

سوم سوسی است که اوضاع و احوال
 اجتماعی موجود برای خرده مالک بسیار
 می آورد و این نیز لازمه رژی می است که عمده
 مالکی را به صورت کنونی به وجود آورده
 است. اگر خرده مالک از نظر ملکداری تأمین
 بیشتری داشته باشد و در نتیجه از استقلال
 بیشتری برخوردار گردد، شک نیست که امر
 کشاورزی بیشتر پیشرفت می کند و اوضاع و
 احوال اجتماعی بهتر می گردد.»^{۱۰}

حال مفاهیم دهقان و خرده مالک را که به
 اشکال فوق تعریف گردید در یک جمع بندی
 کلی قرار می دهیم. در این جمع بندی می توان بر
 روی سه مشخصه اصلی؛ یکی «استفاده از
 نیروی کار خانوار در اداره امور واحد
 بهره برداری» دیگری «مالکیت شخصی زمین
 محدود مورد بهره برداری (در حد چند هکتار)»
 و بالاخره «خود مصرفی بخش عمده تولیدات»
 تأکید نمود، هر چند سومین مشخصه در حال
 حاضر قوت خود را از دست داده و گرایش
 برای بازار پیدا کرده است. چنانکه اشاره شد
 این نوع بهره برداری در نظام ارباب و رعیتی و
 سنتی ایران چندان رایج نبوده است. علاوه
 بر آن با نظام سهم بری (مزارعه) بخصوص از
 نظر مالکیت زمین و روابط تولید تفاوت
 فاحش داشته است. با این حال در تحولاتی که
 طی چند دهه اخیر به وقوع پیوست بسیاری از
 سهم بران دوره ارباب و رعیتی به بهره برداران
 دهقانی (خرده مالکی) تبدیل شدند.

منشأ بهره برداری های دهقانی

در شکل گیری نظام بهره برداری دهقانی
 (خرده مالکی) عناصر زیر نقش مؤثری
 داشته اند:
 ۱- سرخوردن مالکان سابق که صاحب مقدار
 کمی زمین بوده و شخصاً در امر تولید
 فعالیت داشته اند. این گروه ماهیتاً دارای منشأ
 روستایی و سنتی در روستا بوده اند. راجع به
 مفهوم (خرده مالکی) در کتاب «تحولات

اجتماعی در روستاهای استان فارس است. خرده مالکی عبارتست از آنکه مالک از یک دانگ در روستاها. این نوع مالکیت مشتمل بر مالکیت دهقانی و خرده مالکیت غایب است. بنابر آمار رسمی ۱۳۰۰ روستا در روستاهای ایران در تملک خرده مالکی به دنا (۱۶۵۲۲ روستا). به لحاظ مالکیت، در دوی مالکیت دهقانی و خرده مالکی غایب تعلق به یک مقوله دارند. اما از دیدگاه اندازه مالکیت، خرده مالکی غایب هم بزرگتر از مالکیت دهقانی بود و هم رایج تر. در حقیقت خرده مالکی غایب بین مالکیت دهقانی و بزرگ مالکی بود. وجود خرده مالک در روستاهای ایران نشانه ضعف بزرگ مالکی بوده است» این منبع در جای دیگر از «شکل دهقانی مستقل» نام می برد و در این باره می نویسد: «خصیصه ویژه فئودالیسم ایران همجواریش با نظام تولید دهقانی مستقل بوده است. منظور از نظام تولید دهقانی مستقل یک نظامی است که در آن دهقان صاحب زمین خود بوده، وسایل تولید خود را بکار می گیرد و از نیروی کار خانوار خود استفاده می کند. شکل دهقانی مستقل در نواحی شمالی ایران بیشتر رواج داشته زیرا در آن نواحی احتیاج به سیستم آبیاری مصنوعی نبود. همچنین در حوالی شهرها نیز پراکنده بود چرا که قادر بودند مازاد تولید خود را به شهرها بیاورند. کل زمین های زراعی که تحت پوشش این شکل بوده است بیش از ۶ درصد زمین های زراعی ایران نبوده است. به علاوه اینگونه زمین ها از کم بازده ترین و کوچک ترین زمینها بوده است.» نقل قول دو تن دیگر از محققانی که در این زمینه مطلب نوشته اند به روشن شدن بیشتر موضوع کمک می کند. دکتر وثوقی در کتاب جامعه شناسی روستایی در این باره چنین توضیح می دهد: «می توانیم خرده مالکان را عبارت از دهقانان مستقلی محسوب کنیم که کمتر از یک دانگ زمین داشته و با استفاده از نیروی کار خانوادگی و یا حیوانات با گرفتن چند برزگر و یا

کارگر فصلی به کار کشاورزی بپردازند. اینگونه به کشاورزان از لحاظ موقعیت اجتماعی و سلسله مراتب نظام شبه فئودالی ایران، قشر مستقیمی محسوب می شدند. گرچه این بهره برداران مستقل به دلیل فقر و استیصال غالباً تحت سیطره و نفوذ مالکان بزرگ محلی قرار داشتند ولی در عرف محل، رعیت خان یا ارباب به حساب نمی آمدند. اصلاحات ارضی موجب افزایش واحدهای بهره برداری ملکی و در نتیجه گسترش قشر خرده مالک شد. به این معنا که زارعان صاحب نسق با تملک نسق قبلی خود به جمع مالکان پیوستند و بسندین ترتیب اقلیت خرده مالکان مستقل تبدیل به اکثریتی مطلق گردیدند. بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۵۵ تعداد خانوارهای روستایی کشور حدود ۳/۵ میلیون برآورد شده است. از این میان ۲/۴۷۹/۸۸۹ خانوار مالک زمین کشاورزی بوده و به صورت خرده مالکی یا بهره برداری مستقل خانوادگی به کار کشاورزی اشتغال دارند که اراضی تحت تملک آنان بیش از ۹۰ درصد اراضی زیر کشت کشور را شامل می شود.»^{۱۳} دکتر «ازکیا» یکی دیگر از محققان روستایی که درباره الگوهای مالکیت مطلب نوشته است انواع مالکیت قبل از اصلاحات ارضی را شامل خالصه و دولتی، سلطنتی، موقوفه، عمده مالکی، خرده مالکی و قبیله ای می داند و خرده مالکی را به شرح زیر تعریف می کند: «شکل دیگری از مالکیت ارضی در ایران به شمار می آید که در آن اراضی دهات و روستا معمولاً به دو یا تعداد بیشتری مالک تعلق داشت. در چنین شکلی اراضی ده توسط چند مالک اداره می شد. طبق آمار ۱۳۳۹ از کل دهات ایران ۴۱ درصد خرده مالکی ذکر شده است.»

مالک می توان پس از...
در اداره امور...
محدود مسوره...
مصرفی بخش عمده...
بازار پیدا...
است.

وی اضافه می کند: در این قسمت باید به املاک متعلق به رعایا نیز اشاره ای کرد که از حدود ۵ درصد کل املایی که به زیر کشت در می آمد تجاوز نمی کرد. و با نقل قبولی از لمتون نتیجه گیری می کند که «وسعت املاک متعلق به رعایا آنچنان نیست که شکل دیگری از مالکیت اراضی را به وجود آورد». در میان خرده مالکان دو گروه قابل ذکرند. خرده مالکان غیر زارع و رعایای صاحب زمین. اولین گروه شخصاً کشت و زرع نمی کردند و از بازاریان، بورکراها، معلمان، صاحب حرف و... تشکیل میشدند که اکثریت آنان در شهرها زندگی می کردند و املاک خود را به شیوه بزرگ مالکان اداره می کردند. رعایای صاحب ملک اراضی خود را شخصاً به زیر کشت می بردند، اما چنانچه ذکر شد تعداد این گروه زیاد نبود، اما در سراسر ایران پراکنده بودند، اراضی آنان چنان قلیل بود که به زحمت می توانستند زندگی خود را تأمین کنند.»^{۱۴}

در جای دیگر به توصیف «بهره برداری ملکی» پرداخته و چنین توضیح می دهد: بهره برداری ملکی که در آن بهره بردار مالک زمین مورد بهره برداری محسوب می گردد. تعداد این واحدهای ملکی به ۶۲۴۲۸۳ واحد بالغ می گردید و مساحت اراضی آنها ۲/۹۷۵/۷۸۹ هکتار یا حدود ۲۶ درصد کل اراضی مزروعی را شامل می شد. (آمارگیری سال ۱۳۳۹).^{۱۵}

۲ - زارعان صاحب نسق که پس از اصلاحات ارضی نسق زراعی خود را خریداری کردند. این گروه بیشترین تعداد را

روغنی، جالیز، انواع سبزیجات،... با توجه به نیازهای بازار صورت می‌گیرد و حتی غلات تولیدی اکثر این واحدها به بازار عرضه می‌شود. چنین گرایشی ضمن تغییر تولید برای مصرف خانگی به تولید برای بازار، باعث توجه هر چه بیشتر واحد به محاسبات هزینه و درآمد گردیده است. آشنایی بهره‌بردار دهقان با محاسبات پولی گرایش‌های دیگری را هم ایجاد نموده است. خرید و فروش‌های مقطعی و متعدد در بازارهای شهری و روستایی، احتکارهای موقت برخی اقلام از نیازمندیهای جامعه و... از مواردی است که «کشت و زرع به عنوان ممر اصلی معاش» وی را به زیر سؤال برده است و به‌طور کلی محافظه‌کارانه‌ی سنتی را به نوعی جسارت و ریسک کردن مسدود ساخته است.

«تودور شنین» جامعه‌شناس روسی تبار و یکی از محققینی که درباره‌ی جامعه روستایی ایران تحقیقات زیادی انجام داده حد و مرز جامعه دهقانی را به شرح زیر بیان می‌کند:

الف: مزرعه خانوادگی به عنوان واحد اساسی سازمان اجتماعی و اقتصادی

ب: کشت و زرع به عنوان ممر اصلی معاش
ج: ده‌نشینی و فرهنگ خاص جوامع کوچک روستایی

د: ستمدیدگی یعنی بهره‌کشی از دهقان توسط غیر دهقان قدرتمند.

وی به نقل از «میر دال» می‌نویسد که نظام سرمایه‌داری و استثمار منجر به انباشته شدن روزافزون سرمایه در قشر فوقانی جامعه در دست سرمایه‌داران و توانگران روستایی و شهری می‌شود و مشاغل تازه‌ای برای تهی‌دستان روستایی فراهم می‌آورد و آنان را به کارگر روز مزد تبدیل می‌کند. اما خود معتقد است که ارزش اضافی نه در روستاها انباشته می‌شود و نه در شهرهای همجوار، بلکه در متروپل یا مادر شهری که هزاران فرسنگ دورتر است. بنابراین تجزیه جامعه دهقانی و تبدیل اکثریت دهقانان به کارگران روزمزد



خانوادگی خصوصیت اصلی بهره‌برداری دهقانی است. خصوصیتی که نحوه عملکرد آنرا تعیین کرده و آنرا از واحدهای تولیدی متمایز می‌دارد. به‌علاوه خانواده دهقانی مواد غذایی تولید می‌کند که حداقل مقدار قابل توجهی از آن به مصرف خانواده می‌رسد. وی اضافه می‌کند که مشخصه اصلی مزرعه دهقانی عبارتست از امتزاج یا انطباق مؤسسه بازرگانی یا تولیدی با اقتصاد خانگی خانوار. این امتزاج بر کل زندگی روستایی تأثیرات اساسی بر جای می‌گذارد. به شغل دهقان کیفیت ویژه‌ای می‌دهد زیرا این شغل در مقایسه با مشاغل دیگر کمتر به تقسیم اجتماعی کار متکی بوده و بیشتر به خانواده مقید می‌باشد، که فعالیت تولیدش به‌ویژه در مزرعه دهقان نقش اساسی و مرکزی دارد. گالسکی شرایط عمومی اجتماعی و اقتصادی که بهره‌برداری در آن عمل می‌کند، تجهیزات تولیدی موجود، مهارتها و توانایی‌های بهره‌بردار و کیفیت شرایط تولید را عناصر اصلی و تعیین‌کننده وجود تمایز انواع بهره‌برداری دهقانی می‌داند.^{۱۶}

تحقیقاتی که امروزه در بسیاری از بهره‌برداریهای دهقانی کشور به عمل آمده نشانگر این واقعیت است که این نوع بهره‌برداریهای سخت‌متحول شده و از اقتصاد بسته خانوادگی خارج گردیده و گرایش شدیدی نسبت به بازار پیدا کرده‌اند. تسخیر الگوی کشت در اکثر این بهره‌برداریهای سبزی این نظر است. کشت پنبه، چغندر، قند، دانه‌های

شامل می‌شوند؛

۳- برزگران و کارگران کشاورزی که در مواردی زمین به آنها تعلق گرفته است؛

۴- علاقمندان به کار کشاورزی عمدتاً دارای منشاء شهری و غیر کشاورزی بوده‌اند، لیکن به دلایلی با تهیه مقداری زمین در زمرة بهره‌برداران دهقانی قرار گرفته‌اند؛

۵- افراد عضو سازمانهای کشاورزی و سایر آنهایی که پس از انقلاب از طریق ستاد واگذاری زمین و سایر نهادها موفق به دریافت زمین شده‌اند. اینگونه اراضی هر چند در قالب مالکیت مشاع به آنها واگذار شده اما بهره‌برداری از آنها عمدتاً به صورت انفرادی انجام می‌گیرد.

۶- شناسایی سایر موارد نیاز به بررسی بیشتر در این خصوص دارد.

طرح چند نقطه نظر درباره بهره‌برداریهای دهقانی

هر چند مشخصات کسم و بیش مشترک بهره‌برداری دهقانی عبارت از «مالکیت شخصی زمین»، «وسعت محدود بهره‌برداری»، «استفاده از نیروی کار خانوادگی به‌طور عمده»، «اتخاذ تصمیم از جانب رئیس خانوار»، «اقتصاد خانگی و یا اختلاطی از اقتصاد خانگی و کالایی» می‌باشند، با این حال نقطه نظرهای دیگری نیز در اسن باره وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

«بگوسلاو گالسکی» معتقد است که کار

این کتاب برای دانشجویان رشته کشاورزی و باغبانی و همچنین برای مدیران و کارکنان سازمان‌های دولتی و خصوصی که در زمینه کشاورزی و باغبانی فعالیت دارند، بسیار مفید و کاربردی است. این کتاب به زبان فارسی و به صورت چاپی و الکترونیکی در دسترس است.

ماحصل این روند نیست، بلکه به عنوان روستائیان و ایجاد یک جمعیت روستایی اضافی و به مفهوم واقعی «زیادتی» و غیرمفید و زاغه‌نشین است. شنیدن اعتقاد دارد که استفاده از شیوه تولید به خصوص به عنوان یک روش تحقیق در جامعه‌شناسی روستایی دست کم این امکان را فراهم می‌آورد که درباره برخی از مبهمات جامعه دهقانی مثلاً جایگاه اجتماعی دهقانان نظریه پردازی شود. در این نظریه پردازی وضع آینده این نوع بهره برداریها روشن گردیده و بقا و پایداری و یا اضمحلال آنها مشخص می‌شود. در این زمینه گفتنی است که علی‌رغم انتقادات زیادی که بر نظام بهره برداری دهقانی شده است، اساس عمل و در مقایسه با بهره برداری های بزرگ و مکانیزه از اقبال بیشتری برخوردار بوده است. آمارهای جهانی نیز افزایش تعداد بهره برداریهای دهقانی و گسترش انواع متعدد و جدیدی از آنها نشان می‌دهد. این تحولات موجب طرح نظریات جدیدی در این خصوص شده تا جایی که «گسترش روند نودهقانی» را مطرح ساخته است. رئیس بانک جهانی در این زمینه می‌گوید: «تا پایان قرن بیستم صدها میلیون کشاورز خرده پا بر جمعیت روستایی دنیا افزوده می‌شود و این بدان معناست که دهقانان میتوانند مدتی به صورت دهقان دوام بیاورند، هر چند که به تدریج متحول می‌شوند و بدنبال جریان سرمایه سالاری کشاورزی کشانیده می‌شوند».^{۱۷} علی‌رغم این تحول آنها دهقان می‌مانند هر چند غالباً وابسته به واحدهای کشاورزی نوظهوری هستند که ساخت کیفی و کمی آنها با مزارع خانوادگی دهقانی پیشین متفاوت است.

افزایشی که در قیمت گذاری محصولات کشاورزی، صورت گرفته است، باعث تقویت انگیزه‌هایی در برخی از بهره برداریهای دهقانی شده است. میزان اعتبارات پرداختی به این نوع بهره برداریها، خدمات عمرانی در روستاها، سوددهی این نوع مزارع و از طرف دیگر فقدان زمینه‌های لازم کار و اشتغال مؤثر در شهرها از جمله عواملی است که به بهره برداریهای دهقانی اعتبار بخشیده است. بهره برداریهای دهقانی ایران امروزه واجد استقلال خاصی شده‌اند و گرایش تجاری شدن آنها روزبه‌روز تقویت می‌گردد و می‌روند تا جایگاه اصلی و واقعی خود را در توسعه اقتصادی کشور بیابند. این واحدها به طور مؤثری در ایجاد اشتغال، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه، تلفیق کار و زندگی، صرفه‌جویی و دلسوزی در مصرف نهاده‌ها، پائین آوردن هزینه‌های تولید، تأمین خودکفایی محصولات کشاورزی و بالاخره توسعه کشاورزی دارای کارایی لازم هستند. با این حال مشکلات و موانع متعددی نیز فراراه آنها قرار دارد که شکوفایی و توسعه بهره برداریهای دهقانی را علی‌رغم مزیت‌های یاد شده با دشواری روبرو ساخته است.

منابع و مأخذ:

صفحات ۴۸۸ - ۴۹۲
 ۶ - سوداگر - م «بررسی اصلاحات ارضی (۵۰-۱۳۴۰) مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند خرداد ۱۳۵۸
 ۷ - اشرف - احمد «تحولات اخیر در نظام زمینداری و پیدایش نظام‌های بهره برداری در ایران» آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی سال ۱۳۵۴
 ۸ - عجمی - اسماعیل - «شنیدانگی، پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی روستایی» انتشارات دانشگاه شیراز
 ۹ - سلطانی - غلامرضا - نجفی بهاء الدین «اقتصاد کشاورزی» مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۲ صفحه ۴۳
 ۱۰ - لمتون ا. ک. س «مالک و زارع در ایران» ترجمه منوچهر امیری. مرکز انتشارات علمی و فرهنگی صفحه ۴۹۱
 ۱۱ - لسانی زاده - عبدالعلی «تحولات اجتماعی در روستاهای ایران» دانشگاه شیراز ۱۳۶۶ صفحه ۴۶
 ۱۲ - همان منبع صفحه ۶۳
 ۱۳ - ونوقی - منصور «جامعه‌شناسی روستایی» مؤسسه کیهان ۱۳۶۶ صفحه ۱۰۸
 ۱۴ - از کیا - مصطفی «جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران» ص ۸۸ و ۸۹ و ۲۸۱ - ۲۸۹
 ۱۵ - همان منبع صفحه ۹۷
 ۱۶ - کالسکی - بگوسلاو «مسائل ارضی و دهقانی» مقاله «کشاورزی دهقانی» ترجمه شهین خوارزمی - انتشارات آگاه صفحه ۳۶۲ به بعد
 ۱۷ - همان منبع صفحه ۳۵۰ و ۳۵۱

۱ - اشرف - احمد. کتاب «مسائل ارضی و دهقانی». مقاله دهقانان زمین و انقلاب صفحه ۱۲ - انتشارات آگاه
 ۲ - بطروشفسکی. ای. پ ترجمه کریم کشاورز «کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول» جلد دوم صفحه ۱۳۶
 ۳ - همان منبع صفحه ۸۰
 ۴ - همان منبع صفحه ۱۳۴
 ۵ - لمتون ا. ک. س «مالک و زارع در ایران» ترجمه منوچهر امیری مرکز انتشارات علمی و فرهنگی